

احمد رضا بی شرفدار کلایی

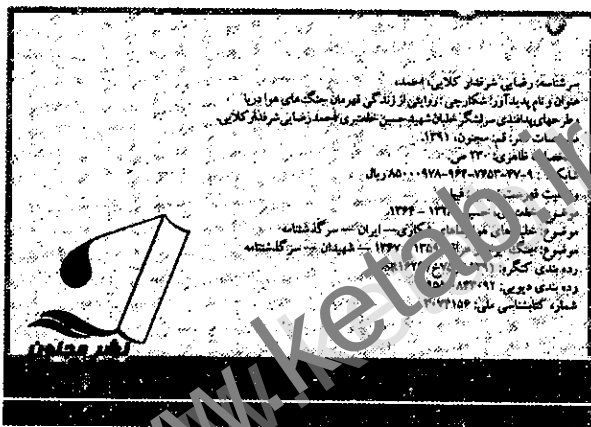
روایتی از زندگی قهرمان جنگ های هوادریا

شکری

طرح های پداقندی سرایش

عبدان محمد حسین خلغبری

www.ketab.ir



نویسنده: احمد رضایی شرفدار کاتب
 مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا جمشیدی شهیری
 حروفچینی و صفحه‌آرایی: موسسه فرهنگی هنری روایت همراه
 انتشارات: نشر مجنون
 چاپ و صحافی: شریعت قم
 شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
 نویسنده: چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۱
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۵۳-۴۷-۹
 قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال
 نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۶۷۶۵-۳۹۶۶
 تلفن: ۰۹۱۹ ۴۹۰ ۳۲۸۴



فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	سلیمان ۳۱ زندگی نامه
۲۳	مصلحت الهی
۲۵	باغی گویی
۲۷	مدیر عقلا نه
۲۹	بروز
۳۱	الف کم نظیرها
۳۳	مراعات
۳۴	عروج در بی کران
۳۵	صفا و رفاقت
۳۶	اول، همیشه اول است
۳۷	اولویت ها
۳۸	هم درد دیگران
۳۹	وسوسه ی دشمن
۴۱	نان به نرخ روز نخوردن
۴۳	فرار عقلا نه
۴۵	تواضع
۴۶	زیارت
۴۸	توانایی

- ۵۰ | زمان استراحت نیست
- ۵۲ | بازبان روزه
- ۵۴ | اسمعیل با بی
- ۵۶ | از آسمان به دریا
- ۵۸ | پذیرش تلخ
- ۶۰ | الهام قلبی
- ۶۲ | اسم!
- ۶۳ | شکارچی
- ۶۵ | نام گذاری
- ۶۶ | تمام دارایی
- ۶۷ | متهور و بی باک
- ۶۹ | رسیدگی
- ۷۱ | الگو
- ۷۳ | حماسه و نبرد
- ۷۶ | منش ابراهیمی
- ۷۷ | نشستن در خانه کفر است!
- ۷۹ | مرز شهادت
- ۸۰ | وعده‌ی پوشالی
- ۸۲ | همت با بسته

۸۴	تکنیک و تاکتیک
۸۵	سوز انتظار
۸۷	موج خروشان
۸۸	عاقبت طاعی
۹۰	آن قدر پرید تا ...
۹۲	انتقام
۹۳	یاد گاری
۹۴	جنگ روانی
۹۶	خودنویس
۹۸	خیال باطل
۱۰۰	دغدغه
۱۰۲	پشت پا به ...
۱۰۴	مروت و جوان مردی
۱۰۶	شکار یا خرید؟
۱۰۷	مدیون
۱۰۹	امداد الهی
۱۱۰	برای همه ...!
۱۱۲	صلح
۱۱۳	قناعت

۱۱۴	شکایتی پیش دوست
۱۱۶	روحه‌ی سلحشوری
۱۱۸	شوق خدمت
۱۱۹	پیردزی از کن ماست
۱۲۰	سخاوت، نهان
۱۲۲	فرشته‌ی نیلوفر
۱۲۴	صوت قرآن
۱۲۶	جلسه قرآن
۱۲۸	حضور دشمن
۱۲۹	اوج ایثار
۱۳۱	وعده‌ی بازگشت
۱۳۳	آخرین وداع
۱۳۵	علامت عروج
۱۳۶	واپسین هدایا
۱۳۷	تکرار یک خواب
۱۳۹	مهیای عروج
۱۴۱	آخرین ساعات
۱۴۷	هفت سین
۱۵۰	پرواز آخر

۱۵۲	اعتراف بعثیون
۱۵۳	سکوت
۱۵۵	جشن خفاشان
۱۵۶	شهید بابایی و شهادت حسین
۱۵۸	عالم ...
۱۶۱	مثل مولا حسین (ع)
۱۶۳	شفاعت
۱۶۴	مگر مرده اند؟!۱
۱۶۶	هم دردی
۱۶۷	رهایی
۱۶۸	پاداش خوبی ها
۱۷۰	بچه محل
۱۷۳	حسرت
۱۷۴	رویای صادق
۱۷۷	وفاداری
۱۷۸	علمدار نیرو
۱۷۹	مستندات نوشتاری
۱۹۵	تصویرها

مقدمه

به گفته‌ی کارشناسان، نیروی دریایی عراق را خلعتبری و دوران نابود کرده‌اند و این گفته مستند است. خلعتبری در انهدام ناوهای نیروی دریایی عراق به‌ویژه ناوهای اوزا، آن‌قدر شجاعت و مهارت از خود نشان داده که به «شکارچی» ناوهای اوزا مشهور شده است. شاید این مرد - حسین خلعتبری - در میان همه‌ی کسانی که دوران جنگ را تجربه کرده‌اند، یک استثنا باشد؛ که هست.

روستا زاده‌ی مازندرانی، چه‌قدر باید تلاش کرده باشد و از چه مراحل تحصیلی، اجتماعی و رقابت‌های نفس گیر،

خودش را بالا کشیده باشد تا بشود: یک نخبه‌ی نظامی، بشود یک نخبه‌ی ماهر، و بعدها هم بشود یک قهرمان در مقابله با مهاجمین به آب و خاک کشورش.

«شکارچی» را نه فقط برای ایفای نقش خطیر خلعتبری در سرنگونی هواپیماها و یا شکار ناوچه‌های جنگی عراق انتخاب کردیم، که آن هم بود، بلکه برای «صید» فرصت‌ها و شکار موقعیت‌هایی که توانست او را به این درجه از افتخار نایل سازد، برگزیدیم.

فرصت‌هایی که مثبت و منفی، همه در سراسر زندگی یک جوان تحصیل کرده‌ی مومن به عقیده و مذهب ممکن است پیش بیاید از «حسین» یکی از آن‌ها بود؛ خواست، انتخاب کرد و به خیالی از اهدافش هم رسید. «حسین خلعتبری» نه یک نابغه‌ی استثنایی بود و نه یک نظر کرده‌ی خاص که در حد یک اسطوره مرفی شود. یک بچه مسلمان و یک ایرانی لایق بود که در سایه‌ی نان حلال و تربیت صحیح، زمینه‌ها و استعدادهای خدایی را شناخت و به کار گرفت. تلاش کرد، سختی کشید، از محرومیت‌ها و تهدیدها درس گرفت و عقب‌نشینی نکرد و بالاخره در میدان تجربه و آزمایش هم، سربلند بیرون آمد. درست مانند پدر بزرگش سیفا... خان حیاتی که سرافرازانه و مومنانه در رکاب شهید میرزا کوچک خان جنگید، دفاع کرد و به شهادت رسید.

هم‌زمان، اعضای خانواده و همشهری‌های «حسین» اعتراف دارند که بارها وقایعی رخ داد که می‌توانست قوی‌تر از او را هم، وادار به شکست و پشیمانی از راهش کند، اما انگار خدا می‌خواست چنین فردی بماند، بستیزد، رشد کند، آبدیده شود و در بحبوحه و کوران خدمت و فداکاری، خودش را محک بزند و نهایتاً بشود الگو و اسوه، و افتخاری برای مردم کشورش و جوانان هم‌دین و آئینش.

«شکارچی» حاصل گفت و شنود بیش از پنجاه ساعته‌ی مولف با فرماندهان، هم‌زمان، اعضای خانواده و دوستان «حسین خلعتبری» است. همه‌ی مصاحبه‌ها در سال ۸۸ و اوایل ۸۹ ضبط شده است. کلمات و جمله‌های این مصاحبه‌ها پس از ضبط، روی کاغذهای سفید آمدند و ماندند.

بی‌شک نباید از راهنمایی‌ها و مساعدت‌های بی‌دریغ امیر سرتیپ دوم خلبان حسین چیت‌فروش «رییس مرکز پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نیروی هوایی ارتش» در راه‌گشایی این امر خطیر غافل شد؛ هم‌چنین از همراهی جناب آقای سیف‌الدین خلعتبری (پسر عمه‌ی شهید).

استاد عزیزم آقای سید محمود خیرالامور نیز زحمات فراوانی را در امر بازبینی خاطرات متحمل شده‌اند که

خاضعانه از ایشان سپاسگذارم.

سعی کردیم به جهت تنوع و کشش خاص خاطرات و مستندات، از دسته‌بندی و تفکیک متداول مطالب پرهیز کنیم تا شاید «روان‌خوانی» آن‌ها خوانندگان عزیز را اسیر تشریفات و مناسبات دست و پا گیر! مطالعه نکند.

به شهید «خلعتیری» دلاورمان هم می‌گوییم: «مطمئنیم که نه تو را شناختیم و نه تو را شناساندیم؛ اما یکی از آرزوهایمان این است که خدا کمک کند حرکتی کنیم و تلنگری بزنیم تا امثال شما حماسه‌سازان، افتخارآفرینان و صادقین بی‌ادعا، ولی خداگزار، به جامعه و خصوصاً جوانان مان معرفی شوند. شناخت دقیق کردن خودشان!!»

احمد رضا بی‌طرفدار کلایی

زمستان ۱۳۹۱